

حمایت از حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه بین المللی از منظر حقوق بین الملل بشردوستانه

محمد مهدی سید ناصری^۱ / سینا درویشی^۲

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۲ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۹

چکیده

صلح و آرامش، آرزوی همه‌ی ملت‌هاست، با این وجود هر روز در گوشه‌ای از دنیا، شاهد رخ دادن جنگ و منازعه‌ای جدید هستیم. فارغ از اینکه دلیل شروع یا ادامه‌ی این مخاصمات چیست، گروه‌هایی در آن‌ها درگیر می‌شوند که کمترین امکانات حفاظت از خود را دارند. عمده‌ترین و آسیب‌پذیرترین این گروه‌ها، کودکان هستند. در واقع آنچه در آتش جنگ می‌سوزد، تصویر روزهای خوش کودکی و کودکانی است که در بهبوحه خاکستر آن آسیب‌های جدی و ماندگار جسمی و روحی برای آنان به جای می‌ماند. کودکان آیینۀ تمام‌نمای اشخاص بی‌دفاع در مخاصمات مسلحانه هستند؛ در این میان، حقوق بین الملل بشردوستانه حمایت‌های وسیعی را از آنها به هنگام مخاصمات مسلحانه بشر و غیر بشر به عمل آورده است. کودکان از حمایت‌های عمومی مقرر شده برای غیرنظامیان در صورتی که در مخاصمه مشارکت مستقیم نداشته باشند، بهره می‌برند و ضمن اینکه از رفتارهای منطبق با حقوق بشر برخوردار می‌شوند، تحت حمایت مقررات حقوقی ناظر بر رفتار با دشمن قرار می‌گیرند. بر همین اساس است که حقوق بشردوستانه از زمان آغاز منازعات مسلحانه تا پایان آن، سازوکارهایی حمایتی (عام و خاص) را برای کودکان لحاظ می‌کند که بهترین منفعت کودکان را باید در کاستن از تسلیحات کوچک و بزرگ جست‌وجو کرد. در این پژوهش سعی بر این شده است که حمایت از کودکان از منظر حقوق بین الملل بشردوستانه مورد بررسی قرار گیرند.

واژگان کلیدی: کودکان، مخاصمات مسلحانه، حمایت، حقوق بشر دوستانه.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات متحده عربی. (نویسنده مسئول)
sm.snaseri@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب.
mseynednasseri@gmail.com



مقدمه

کودکان از محروم‌ترین گروه‌های انسانی هستند که همیشه در جنگ، بحران‌های سیاسی و بلایای طبیعی اولین سلاح به سمت آنان نشانه می‌رود، به طوری که در بیشتر موارد کودکان آواره و پناهنده در معرض انواع وضعیت‌های بحرانی قرار می‌گیرند و مجبور می‌شوند شهر و دیار خود را ترک کنند. در این راستا جامعه انسانی خود را موظف می‌داند شرایط قومی، نژادی و ملی را کنار گذاشته و تنها با در نظر گرفتن اشتراک در وجوه انسانی و تعلقات بشری به این گونه افراد کمک کند و بر همگان واضح است که جنگ یکی از بلایایی است که اصلی‌ترین قربانیان آن در طی تاریخ کودکان هستند. آن‌ها کسانی هستند که در جنگ‌ها کشته می‌شوند، مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، خانه و خانواده خود را از دست می‌دهند و با فقدان آموزش و بهداشت با مشکلات عمیق روحی مواجه می‌گردند. کودکان به عنوان بخشی از جامعه که به بیشترین حمایت در برابر خشونت، آزار جنسی، سوءتغذیه و شرکت در مخاصمات مسلحانه نیاز دارند معمولاً در دوران تنش و نزاع مسلحانه به فراموشی سپرده می‌شوند و در این فضای بی‌کیفری به فراخور مورد سوءاستفاده نیروهای نظامی قرار می‌گیرند. خوشبختانه در طی نیم قرن گذشته پیمان نامه‌های متعددی برای دفاع از کودکان منعقد شده است تا قبل از سال ۱۹۴۹ میلادی در حالی که نظامیان تحت پوشش عهدنامه‌های ژنو قرار داشتند غیر نظامیان از هرگونه حمایت حقوقی محروم بودند؛ به طوری که مخصوصاً در طی دو جنگ جهانی، در عمل ملاحظه شد که اتباع غیر نظامی دشمن از جمله کودکان آماج هر نوع تجاوز و تعدی بودند. در آن دوران، برخلاف برداشت سنتی که از سوی دانشمندان کلاسیک ابراز شده بود، جنگ هرگز یک اقدام که انحصاراً مربوط به حکومت‌ها باشد، نبود؛ بلکه مستقیماً ملت‌ها را نیز دربر می‌گرفت که از آن جمله می‌توان توقیف و بازداشت آنان را در اردوگاه‌های کار اجباری نام برد. با انعقاد عهدنامه ژنو مورخ ۱۲ اوت سال ۱۹۴۹ میلادی مربوط به حمایت از افراد غیر نظامی در زمان جنگ، اتباع دشمن از حیث فردی تحت حمایت شدید حقوقی قرار گرفته و عنوان «شخص حمایت شده» را در اختیار گرفتند. محافظت از صلح جهانی و امنیت بین‌المللی وظیفه مهمی است که در اولین منشور جامعه بین‌المللی مصوب سال ۱۹۴۵ میلادی قید گردیده است. اما جامعه بین‌المللی نتوانسته است چه جوامع کنونی و چه جوامع آیندگان را در مقابل آتش جنگ‌ها محافظت نماید. با وجود کثرت کنوانسیون، پروتکل و خود منشور سازمان ملل متحد، وحشت روزافزون زنان و کودکان در اثر بروز جنگ‌ها رو به افزایش است و کودکان بیشتری به طرق مختلف جان و زندگی و موجودیت خویش را از دست داده و می‌دهند. جنگ‌ها به عنوان عامل اصلی، توسعه جوامع را که برای تساوی حقوقی و اجتماعی کودکان امری



مهم است تحت تأثیر خود قراردادده و آنان را به عنوان قربانیان اصلی و بی‌دفاع جوامع به سوی نابودی و انزوا و تبعیض می‌کشاند. تحت تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم جنگ‌ها روزانه هزاران زن و کودک در سطح جهان در اثر گرسنگی، کمبود آب و غذا و بیماری‌های رایج ناشی از مخاصمات مسلحانه قربانی می‌شوند. در سرتاسر جهان انسان‌ها در اثر درگیری‌های مسلحانه و اختلافات خشونت بار، ترور، اسارت و اشغال در رنج و عذابند و بیشتر از همه این عذاب‌ها کودکان بی‌شماری را در آتش ظلم و جور و زیاده‌خواهی سیاستمداران نابود می‌کند و اما در حقوق بین‌الملل، حقوق بشردوستانه به مقرراتی گفته می‌شود که در حال درگیری مسلحانه طرفین تخاصم باید این مقررات را رعایت کنند و مراد از این مقررات، دستورالعمل‌هایی است که بشر بعد از اینکه جنگ به موجب اعلامیه حقوق بشر ممنوع و پدیده‌ای اضطراری تلقی شد. در عین حال در جنگ جهانی، بشریت متوجه شد که جنگ امر اجتناب‌ناپذیری است و وقتی آن را این‌گونه تلقی کرد، علی‌رغم منع جنگ و هرگونه اقدام مسلحانه علیه یکدیگر، گفتند هرچه ما بکنیم نمی‌توانیم جلوی پدیده جنگ را بگیریم، لاقلاً مقرراتی وضع کنیم که هنگام درگیری مسلحانه، طرفین پایبند به این مقررات باشند. به این مقررات حقوق بشردوستانه گفته می‌شود، مقرراتی که از بعد بشردوستی و مهربانی نسبت به بشریت، طرفین مقید به آن هستند. امضای این مقررات را هنگام صلح انجام می‌دهند و حمایت از کودکان در مخاصمات نیز در چارچوب این حقوق بشردوستانه قرار می‌گیرد. شاید بتوان هدف و غایت آن را حاکم نمودن اخلاق و اصول انسانیت، در منازعات مسلحانه دانست. بدون تردید جنگ و جدال‌های مسلحانه موجب درد و رنج گسترده بسیاری از انسان‌ها می‌شود و در بسیاری از موارد ضرر و زیان‌های معنوی و مادی حاصل از آن قابل محاسبه و اندازه‌گیری نیست. با این همه اگر حقوق بشردوستانه بتواند اندکی از رنج انسان‌های درگیر در جنگ را بکاهد تا حدودی رسالت خود را به رغم نابسامانی‌های فراوانش انجام داده است. اصولاً حمایتی بودن معاهدات حقوق بشر و بشردوستانه نقطه عطفی است که ماهیت آن را از سایر معاهدات جدا می‌سازد. حمایت از حقوق انسانی پایه تمام قواعد حقوق بشردوستانه است. ماهیت حمایتی و نه مبادلاتی معاهدات حقوق بشردوستانه و همچنین حقوق بشری موجب شده است که این معاهدات تعلیق پذیر نباشند و وضعیتی متفاوت از بند ۵ ماده ۶۰ کنوانسیون سال ۱۹۴۹ میلادی وین در خصوص حقوق معاهدات داشته باشند. حمایت از افراد در قبال تمام اقدامات بر علیه تمامیت اشخاص در منازعات مسلحانه مشخصه بارز معاهدات حقوق بشر دوستانه است. در این بین حمایت از کودکان دارای اهمیت ویژه‌ای است که بخش قابل توجهی از اسناد حقوق بشر دوستانه را به خود اختصاص داده است. بدون شک در جنگ‌ها کودکان در معرض خطر و آسیب بیشتری نسبت به سایر افراد انسانی قرار دارند و بررسی تاریخی نشانگر آن است که متأسفانه در طول منازعات مسلحانه و جنگ‌ها



کودکان دچار خسارت‌های بیشتری علاوه بر خسارت معمول جنگی شده‌اند. علاوه بر این آسیب به کودکان در منازعات مسلحانه، وجدان انسانی را بیشتر آزار می‌دهد و انسان‌ها را به حمایت خاص از آنان ترغیب می‌کند. با کمال تأسف باید گفت در طول تاریخ کودکان مورد ظلم و اجحاف بیشتری نسبت به سایرین قرار گرفته‌اند و این مسئله در زمان رخداد منازعات مسلحانه نمود بیشتری پیدا کرده است. به همین جهت حمایت از کودکان به عنوان اصلی در کنار سایر اصول حمایتی چون اصل تمایز و تناسب و سایر اصول قرار گرفته است. در سال‌های اخیر توجه جامعه جهانی نسبت به شناخت وضعیت و همچنین حمایت از کودکان در طی مخاصمات مسلحانه به طور چشمگیری افزایش یافته است ولی همانند دیگر زمینه‌های حقوق بشردوستانه و حقوق بشر مشکلات بسیاری در تحقق این امر وجود دارد. تحت تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم جنگ‌ها روزانه هزاران کودک در سطح جهان در اثر گرسنگی، کمبود آب، غذا و بیماری‌های رایج ناشی از مخاصمات مسلحانه قربانی می‌شوند. در این میان حقوق بشردوستانه در پی کم کردن این آسیب‌ها و دفاع از حقوق ستم دیدگان جنگ بوده و جامعه جهانی با تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون ژنو و لاهه و سایر کنوانسیون‌ها سعی در ایجاد یک سری اصول اساسی بشر دوستانه در زمان رخدادهای جنگی است اما این کنوانسیون‌ها قوانینی هستند که رعایت آن‌ها، اگرچه از وقوع جنگ جلوگیری نمی‌کند، اما دردها و آسیب‌های انسانی را تا حدودی از طرفین مخاصمه می‌کاهد. اهمیت بررسی ماهیت و آثار حقوق بشردوستانه نسبت به کودکان در مخاصمات بین‌الملل بر کسی پوشیده نیست زیرا کودکان در طول تاریخ، بیشترین صدمات جسمی و معنوی را در اثر وقوع مخاصمات مسلحانه و در اشکال مختلف پذیرا شده‌اند. علی‌رغم وجود حمایت‌ها و اقدام‌های سازمان‌های بین‌المللی و غیربین‌المللی، باز هم ضمانت اجراهای کافی برای حمایت از کودکان در منازعات مسلحانه، موجود نیست. در طول درگیری‌ها شاهد خشونت‌های بسیاری علیه کودکان هستیم. کودکان به جهت ضعف قوای جسمی و روحی و عدم استدلال، نیازهای ویژه خود را دارند. بررسی مسائل، نیازمندی‌های حقوق کودکان به عنوان یک گروه خاص و ممتاز از بزرگسالان و اولویت دادن به آن‌ها در ملاحظات و خط مشی‌ها و آینده‌نگری‌ها جوامع بشری پدیده‌ای نوظهور و متأثر از مجموعه‌ای دگرگونی‌های اجتماعی است. امروزه تمام کشورهای جهان به لزوم حمایت ویژه از کودکان و همچنین توجه به کودکی به عنوان دوره‌ای خاص از زندگی که به خودی خود دارای اهمیت است، اذعان دارند. به همین جهت در سطوح بین‌المللی مختلف در قالب کنوانسیون‌های جهانی، کمیته‌های مشترک، توافقات و همکاری‌های بین‌المللی، درصدد تضمین حقوق در سطح جهان برآمدند. اما به رغم این تلاش‌ها شاهد نقض حقوق کودکان در سراسر این منازعات هستیم. واقعیت تلخی که در گزارش مستقل سازمان ملل متحد در زمینه خشونت علیه کودکان به خوبی



آشکار است. با توجه به این که اهمیت موضوعات حقوق بشر در جهان امروز و دادن کمک‌های بشر دوستانه به کودکان در حین مخاصمات مسلحانه یکی از مسایل مهم و اساسی سازمان ملل به شمار می‌رود، به منظور حمایت از افراد غیرنظامی، به خصوص کودکان، حقوق بین‌الملل بشردوستانه به صورت کلی به حقوق و مسئولیت‌های طرفین درگیر جنگ و به ویژه به حقوق افراد غیرنظامی می‌پردازد و از کسانی که در جنگ شرکت نداشته‌اند، حمایت می‌کند. بنابراین، کودکان مشابه افراد غیرنظامی از قوانین حقوق بشردوستانه بین‌المللی که محدودیت‌هایی بر نحوه خصومت‌ها تحمیل می‌کند، بهره‌مند شده‌اند. این حقوق با در نظر گرفتن نیازهای خاص افراد غیرنظامی، به ویژه کودکان، از آنان بیشتر حمایت کرده و کمیت بین‌المللی صلیب سرخ را نگهبان و ضامن اجرای خود، قرار داده است.

۱- تعریف و مفهوم کودک

کودک را از زوایای مختلف، مانند دیدگاه روانشناسی، پزشکی، حقوق و... می‌توان تعریف ارائه نمود. از واژه‌های کلیدی و مهم در این پژوهش، واژه «کودک» است. کودک، از حیث واژه‌شناسی به معنای «کوچک» یا «خردسال» است (عمید، ۱۳۷۴، ص. ۹۹۱). به استناد ادله فقهی، از زمان بسته شدن نطفه و استقرار آن در رحم مادر بر آن «کودک» اطلاق می‌شود تا زمانی که به حد بلوغ برسد (صدوق، ۱۴۱۳، ص. ۱۷۱). مطابق دیدگاه مشهور فقیهان امامیه، معیار پایان کودکی با اکتفا نمودن به بلوغ سنی تعریف شده؛ یعنی برای دختران ۹ سال و برای پسران ۱۵ سال تمام قمری است (موسوی خمینی، بی‌تا، ص. ۱۳-۱۲)؛ در صورتی که اکثر علمای اهل سنت، معیار پایان کودکی را نشانه‌های تکوینی در نظر گرفته‌اند و به سن، به عنوان راه‌حلی برای مواردی استناد کرده‌اند که نشانه طبیعی وجود ندارد، اما درباره سن بلوغ بین ۱۵ تا ۱۸ نظریات مختلفی مطرح است؛ هرچند میان دختر و پسر به لحاظ سن، تفاوتی وجود ندارد (جزیری و همکاران، ۱۴۱۹، ص. ۴۱۱-۴۱۲). اما آن چه ما در اینجا در پی آنیم، این است که تعریف کودک را از منظر اسناد بین‌المللی، اعم از اسناد حقوق بشری و اسناد حقوق بشردوستانه مشخص نماییم، در واقع می‌خواهیم به یک تعریف بین‌المللی از کودک برسیم: مستند به ماده ۱ پیمان نامه حقوق کودک ۱۹۸۹، منظور از کودک «افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود» (امیر ارجمند، ۱۳۸۱، ص. ۱۹۹). براساس این تعریف، اولاً حقوق حمایتی کودکان اصولاً افراد انسانی زیر ۱۸ سال اعم از دختران و پسران را در بردارد؛ ثانیاً بند دوم ماده یک، کشورها را مجاز می‌داند که در قوانین ملی خود سن بلوغ را کمتر از سن ۱۸ سال معیار خود قرار دهند؛ برای مثال، ۱۵ یا ۱۷ سال. ممکن است در این خصوص بیان گردد که



سن ۱۸ سال قابل تسری به عرصه مخاصمات نیست، چرا که با مراجعه به اسناد حقوق بشردوستانه مخصوصاً کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ مستفاد می‌گردد که سن زیر ۱۵ سال در زمره کودکان قرار می‌گیرد. بر این اساس می‌توان گفت که در حقوق بشردوستانه، اصولاً ملاک سنی حمایت خاص از کودکان افراد کمتر از ۱۵ سال هستند؛ هر چند استثنائاتی نیز بر آن وارد است؛ از جمله سن ۱۲ سال برای داشتن پلاک و سن ۱۸ سال برای اجرای مجازات اعدام. مؤید این مدعا موادی از پیمان نامه چهارم ژنو ۱۹۴۹ است. برای نمونه مواد ۵، ۲۴، ۳۸ و ۸۹ حاوی مقرراتی در خصوص اقدامات ممتاز برای اطفال کمتر از ۱۵ سال و اضافه غذایی برای اطفال کمتر از ۱۵ سال می‌باشند. علاوه بر آن در پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به پیمان نامه های چهارگانه ژنو، در بند ۲ ماده ۷ سخن از ممنوعیت شرکت مستقیم کودکانی است که به سن ۱۵ سال نرسیده‌اند و بین سنین ۱۵ تا ۱۸ سالگی اولویت با افرادی است که سن بیشتری را دارند که مشابه این ماده در ماده ۲۸ پیمان نامه حقوق کودک ۱۹۸۹ انعکاس یافته است. در نتیجه، هر چند در اسناد حقوق بشردوستانه به تعریف مشخص و مستقیمی از کودک، همانند پیمان نامه حقوق کودک دست نمی‌یابیم، ولی با مراجعه به مواد مختلف و روح کلی حاکم بر آن، می‌توانیم چنین استنباط نماییم که کودک افراد انسانی زیر ۱۵ سال هستند، مگر در موارد تصریح شده که سن بیشتر یا کمتری ملاک قرار گیرد. در این میان، افراد انسانی زیر ۱۵ سال شامل پسران، دختران، معلولان، مجروحان و یتیمان است که همگی از حمایت خاص زمان مناقشه مسلحانه بهره‌مند هستند و در بهره‌مندی از حقوق بشردوستانه و حمایت حقوقی از آن‌ها هیچ گونه تبعیضی نباید اعمال گردد و رنگ، نژاد، زبان، ملیت، ولادت، منشأ اجتماعی و... ملاک تبعیض در میان کودکان نخواهد بود. شایان ذکر است که پروتکل سال ۲۰۰۰ الحاقی به پیمان نامه حقوق کودک در مورد شمول مخاصمات علیه کودکان در مورد سربازگیری و بازپروری جسمی و روحی آن، سن ۱۸ سال را، مانند معاهده حقوق کودک، در نظر گرفته است که به دلیل اقتضای سن کودکان، در نظر گرفتن واقعیت‌های زندگی اجتماعی کودکان، حفظ تعداد بیشتر افراد انسانی از بلایای جنگ‌ها و همسویی با معاهده حقوق کودک ۱۹۸۹، حقوق حمایتی نیز افزایش یافته است. به همین جهت، در حقوق بشردوستانه در مورد سربازگیری و شرکت مستقیم کودکان در عرصه مخاصمه، این سند تا به امروز جزو مهم‌ترین اسناد به شمار می‌رود، زیرا سن ۱۵ سال را به ۱۸ سالگی تبدیل نموده است.



۲- مفهوم مخاصمه مسلحانه

مخاصمه در لغت به معنای پیکار و دشمنی کردن با یکدیگر است.^۱ واژه مخاصم در حقوق بین الملل دارای مفهوم وسیع حقوقی است لذا ترکیب مخاصمات مسلحانه که در ادامه زیاد آن را خواهید شنید در معنای سنتی و عرفی آن به معنی عام جنگ به کار برده خواهد شد. حقوق بین الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه را به دو شاخه بین المللی و غیر بین المللی تقسیم کرده است که منظور از قسم بین المللی آن، نزاع و درگیری بین دولت هاست که در سطوح مختلف دنبال میشود و اما در بخش غیر بین المللی که از شعبه های کم توجه طی سال های اخیر در مبحث درگیری های نظامی است به جدال و آشوب در نواحی داخلی یک کشور واحد اطلاق می شود. تسهیم فوق در حقوق بین الملل بشردوستانه به رسمیت شناخته شده و مورد استفاده قرار می گیرد؛ در همین راستا نیز تمامی قواعد این حقوق بر این مخاصمات حاکم است. «قواعد موجد حق و تکلیفی است که در طول مناقشه و در هر مکانی که دایره ی تخاصم وجود داشته باشد، مجری خواهد بود»^۲.

۳- انواع خشونت علیه کودکان در مخاصمات مسلحانه

تاکنون دو گزارش مفصل خاص کودکان و مخاصمات مسلحانه از سوی سازمان ملل متحد تنظیم و منتشر شده است که به خوبی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم مخاصمات مسلحانه را بر وضعیت و آینده کودکان نشان می دهد. گزارش نخست، در سال ۱۹۹۶ میلادی با عنوان «تأثیر مخاصمات مسلحانه بر کودکان» توسط خانم «گراچا ماشل» در ۳۱۷ بند تهیه شد که در زمان خود گزارشی جامع و همه جانبه بوده است. گزارش دوم، پس از ۱۱ سال، در دسامبر ۲۰۰۷ میلادی، در ۱۷۲ بند، از سوی مجمع عمومی و شورای امنیت منتشر شده است. این گزارش را می توان آخرین وضعیت رعایت یا نقض حقوق کودکان در درگیری های مسلحانه در نقاط مختلف جهان و تأثیرات آن بر زندگی حال و آینده کودکان دانست که در پی بیانیه ۲۹ ژوئن ۱۹۹۸ میلادی رییس شورای امنیت سازمان ملل متحد و قطعنامه های شماره ۱۶۱۲ (۲۰۰۵)، ۱۳۷۹ (۲۰۰۱)، ۱۴۶۰ (۲۰۰۳) و ۱۵۳۹ (۲۰۰۴) شورای امنیت در خصوص اطلاعات درباره میزان رعایت کاهش سربازگیری کودکان یا استفاده از آنان در درگیری های مسلحانه و دیگر نقض های شدید حقوق کودکان در خلال منازعات مسلحانه نظیر کشتن، نقص عضو، تجاوز و خشونت های جنسی، ربودن، ممانعت از رسیدن

^۱ فرهنگ فارسی عمید، چاپ نخست، ۱۳۸۹.

^۲ ضیایی بیگدلی، محمدرضا؛ حقوق جنگ، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۲، ص. ۵.



کمک های بشردوستانه به کودکان و حمله به مدارس و بیمارستان ها از سوی طرف های درگیر تنظیم شده است.^۱

۳-۱- وضعیت عام علیه کودکان

سربازگیری کودکان، یکی از بارزترین خشونت بزرگسالان علیه کودکان است. بسیاری از خانواده ها تنها راه فرار از به سربازی گرفتن کودکان خود را در انتقال آنان دیده اند؛ اما فقر خانواده ها باعث می شود گروه های شورشی و مسلح، کودکان را از اردوگاه های پناهندگان برای سربازی شکار کنند. این وضعیتی است که در مرزهای برخی از کشورها نظیر کلمبیا، چاد، سودان، جمهوری دموکراتیک کنگو، اوگاندا و رواندا وجود داشته و دارد و کودکان در بدترین اشکال ممکن خرید و فروش می شوند. تجاوز و خشونت جنسی علیه دختران و پسران به عنوان یک روش تحقیرکننده و یک سلاح جنگی علیه طرف مقابل در آمده است. ۶۰ درصد آسیب دیدگان این خشونت در منطقه «کیسانجانی» جمهوری دموکراتیک کنگو، در سنین بین ۱۱ تا ۱۷ سال بودند. در عراق، اسرائیل، فیلیپین و... کودکان به ظن ارتباط با گروه های مسلح بازداشت می شوند و انواع بد رفتاری، شکنجه، اعترافات اجباری، محرومیت از غذا و تحصیل نسبت به آنان اعمال می شود. در اغلب موارد در بازداشتگاه های بزرگسالان نگهداری می شوند و گاه به آکراه و اجبار به عنوان راهنما و جاسوس در عملیات نظامی بکارگرفته می شوند.^۲ حملات سازماندهی شده و عمدی به کودکان، مدارس و آموزگاران و ساختمان مدارس پدیده ای است که در برخی از درگیری ها مشاهده شده است. مدارس در افغانستان به ویژه مدارس دختران همچنان توسط طالبان به آتش کشیده می شود تا از ادامه تحصیل دختران جلوگیری شود و در عراق خشونت های فرقه ای از کودکان مدارس، قربانی می گیرد. در تایلند حملات به بیش از ۱۰۰ مدرسه و کشتن تعدادی از معلمان، به تعطیلی مدارس منجر شده است.^۳ گام های مثبتی از سوی دیوان بین المللی کیفری در اجرای عدالت و تعقیب یا محاکمه متهمان به سربازگیری اجباری کودکان زیر سن ۱۵ سال و مشارکت دادن آنان در جنگ، برداشته شد. تعقیب رهبر اتحاد ملی کونگولی در جمهوری دموکراتیک کنگو و پنج تن از اعضای ارشد «سپاه خداوند برای پایداری» از جمله رهبر این جنبش «ژوزف کینی» به اتهام ۳۳ مورد جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت از جمله سربازگیری اجباری کودکان و نیز محاکمه رییس یک دولت یعنی «چارلز تیلور» در دادگاه ویژه سیرالئون به اتهام ۱۱ مورد جرایم جنگی و جنایت علیه

^۱ گزارش شورای امنیت، ۲۰۰۷، ۶-۷.

^۲ Ibid, 8-9

^۳ Ibid, 10-11



بشریت از جمله سربازگیری کودکان و مشارکت دادن فعال کودکان در منازعات مسلحانه، پیام‌هایی جدی هستند که اعلام می‌دارند جنایت علیه کودکان بی‌کیفر نخواهد ماند.^۱ این محاکمات از سوی دیگر از وجود وضعیت‌های مخاطره‌آمیز برای کودکان خبر می‌دهد. در کنار محاکمه و تعقیب، چاره‌جویی‌های پیشگیرانه نیز لازم و ضروری است.

۳-۲- وضعیت‌های خاص علیه کودکان

علاوه بر نگرانی‌های کلی فوق، گزارش جدید به تفصیل به وضعیت سربازگیری و انواع خشونت علیه کودکان در مخاصمات مسلحانه موجود در مناطق مختلف جهان پرداخته است.

۳-۲-۱- افغانستان

وضعیت ناامن این کشور به دلیل درگیری میان نیروهای دولتی با طالبان از یکسو و حضور نیروهای خارجی به رهبری آمریکا و نیروهای ناتو از سوی دیگر، آثار ناگواری برای کودکان رقم زده است. اطلاعات کامل و درستی از طالبان در استفاده یا سوءاستفاده از کودکان در دست نیست؛ ولی این گروه در مواردی از کودکان برای عملیات انتحاری، که در نوع خود پدیده جدیدی است، علیه نیروهای خارجی و دولتی استفاده کرده است. همچنین پاره‌ای از عملیات نظامی علیه مدارس، توسط طالبان انجام گرفته است. در نیمه نخست سال ۲۰۰۷ میلادی، رفتار خشونت‌آمیز شورشیان به کشته شدن ۹۵۰ غیرنظامی منجر شد که دست کم ۴۹ کشته و ۱۹ مجروح، کودک بودند. عملیات هوایی نیروهای خارجی در این کشور نیز از کودکان قربانی می‌گیرد. در عملیات ۹ مارس ۲۰۰۷ میلادی، چهار نفر از میان ۹ غیرنظامی کشته شده کودک بودند. همچنین ۶۰ درصد قربانیان ناشی از انفجار بقایای مواد منفجر نشده در افغانستان، کودکان‌اند.^۲

۳-۲-۲- عراق

با وضعیت کنونی امنیت در عراق، دستیابی به اطلاعات و آمار دقیق خشونت علیه کودکان در این کشور دشوار است؛ ولی روشن است این وضعیت ناامن چه رنج‌ها و مصائبی بر کودکان عراقی تحمیل می‌کند. منابع و آمارهای مقامات دولتی و ملل متحد حاکی از آن است که نیمی از پناهندگان عراقی در خارج از کشور و حدود ۳۸ تا ۴۰ درصد در داخل را کودکان تشکیل می‌دهند.

¹ Ibid, 12

² Ibid, 19- 23



در این کشور، گروه‌های وابسته به القاعده از کودکان در عملیات انتحاری با اتومبیل استفاده می‌کنند. عملیات ۲۱ مارس سال ۲۰۰۷ میلادی، که طی آن اتومبیل حامل مواد منفجره از محل بازرسی نیروهای چند ملیتی عبور داده شد، توسط دو کودک انجام گرفت و آن دو کشته شدند. تا اوت ۲۰۰۷، حدود ۸۰۰ کودک بین ۱۲ تا ۱۷ سال، در بازداشت نیروهای چند ملیتی بودند که در عملیات مسلحانه شرکت داشتند و ۳۰ تن از آنان خود به هدایت عملیات می‌پرداختند. تعدادی از کودکان، قربانی بازرسی‌های منازل و حملات هوایی نیروهای چند ملیتی هستند. خشونت‌های قبیله‌ای نیز در جای خود، قربانیان بسیاری از کودکان گرفته است. نظام آموزشی پس از حمله به حرم امام حسن عسکری (ع) و بالا گرفتن خشونت‌های قبیله‌ای، آسیب دید و حملات بسیاری علیه مدارس و آموزگاران انجام گرفت. بنا به گزارش یونیسف ۳۰ درصد کودکان عراقی اکنون به مدرسه نمی‌روند. همانند افغانستان برخی از این حملات به مدارس از این رو انجام می‌گیرد که در این مدارس، مبانی لاییک آموزش داده می‌شود. در مواردی نیروهای چند ملیتی به مدارس هجوم برده‌اند.^۱

۳-۲-۳- لبنان

در لبنان، گزارشی از سربازگیری توسط نیروهای دولتی یا گروه حزب‌الله گزارش نشده است ولی در اردوگاه «نهرالبارد» که گروه‌های وابسته به القاعده با ارتش لبنان درگیر شدند؛ به مجروح شدن بیش از ۲۰۰ کودک انجامیده است. استفاده گسترده اسرائیل از بمب‌های خوشه‌ای در جنگ ۳۳ روزه با حزب‌الله، باعث رهاشدن مواد منفجره در جنوب لبنان شده است که تهدیدی علیه کودکان بوده و از آنان قربانی می‌گیرد. با وجود این قربانیان، هنوز اسرائیل از ارائه هرگونه اطلاعات درباره کاربرد انواع این بمب و مکان‌های ریخته شدن آن خودداری می‌کند.^۲

۳-۲-۴- فلسطین اشغالی و اوکراین

در دو سال گذشته، وضعیت کودکان در فلسطین اشغالی، بیت‌المقدس شرقی و اوکراین بسیار مخاطره‌آمیز بوده است. از همین رو یونیسف در جدیدترین گزارش خود در ژانویه (۲۰۲۳) با عنوان چشم‌انداز حقوق کودکان در سال (۲۰۲۳) میلادی، جنگ و مخاصمات را یکی از چالش‌ها و بحران‌های مهم زندگی کودکان اعلام کرده است. در این گزارش آمده است که سال (۲۰۲۲) برای مردم سراسر جهان به‌خصوص کودکان، فوق‌العاده سخت بوده است. نسل بشر به‌خصوص کودکان با

¹ Ibid, 52-57

² Ibid, 59-61



مجموعه‌ای از بحران‌های بزرگ از جمله ادامه‌ی بیماری همه‌گیر کرونا، جنگ بزرگ در اروپا، بحران انرژی، افزایش تورم و ناامنی غذایی مواجه بوده‌اند. در ۱۹ آگوست ۱۹۸۲ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در جلسه‌ی ویژه‌ی اضطراری خود در مورد مسأله‌ی فلسطین، وحشت‌زده از تعداد زیاد کودکان بی‌گناه فلسطینی و لبنانی که قربانی اقدامات نظامی اسرائیل بودند، سخن گفت و تصمیم گرفت که ۴ ژوئن هر سال را به عنوان «روز جهانی کودکان بی‌گناه قربانی مخاصمات»^۱ نامگذاری کند. این تصمیم، نشان از یک اجماع جهانی در مورد الزام توجه ویژه، حمایت و تلاش هماهنگ جامعه‌ی جهانی برای رسیدگی به آسیب‌پذیری‌ها و تخلفاتی است که کودکان در موقعیت‌های مربوط به درگیری با آن روبه‌رو هستند. در دهه‌ی ۹۰ میلادی و با ورود جهان به عرصه‌ی جنگ‌های جدید که با گسترش جنگ‌های قومی همراه بوده است، حمایت از حقوق کودکان افزایش یافت و حمایت بین‌المللی در این زمینه از جمله در قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد، منجر به مجموعه‌ای از سازوکارهای بین‌المللی گردید. در موضوعات مرتبط با آسیب‌پذیری ویژه‌ی کودکان در برابر مخاصمات مسلحانه، می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱- کودکان سرباز ۲- سوءاستفاده و بهره‌کشی جنسی از کودکان در مخاصمات و خرید و فروش کودکان جنگ‌زده برای مقاصد جنسی ۳- پناهندگان جنگی و آوارگان داخلی و حساسیت ویژه‌ی کودکان پناهنده و آواره ۴- آسیب‌پذیری بالای کودکان در برابر مین‌های زمینی، بمب‌های خوشه‌ای، تله‌های انفجاری و انواع مهمات عمل نکرده ۵- تأثیر گسترده سلاح‌های کوچک و سبک بر سربازگیری از کودکان ۶- بهره‌کشی، کار اجباری و استفاده از کودکان برای کارهایی چون جاسوسی، خبررسانی، حمل‌ونقل، و ... در نیروهای مسلح و خصوصاً گروه‌های شورشی ۷- نحوه و شرایط محاکمه و رسیدگی به جرایم کودکان مجرم جنگی ۸- مشارکت کودکان به عنوان قربانیان و شاهدان فجایع جنگی در جریان دادرسی‌ها. با وجود اینکه حقوق بین‌الملل، کودکان را به عنوان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه در جنگ معرفی نموده است، اما در عمل و بعد از چند دهه هنوز هم در عصر انقلاب صنعتی چهارم، شاهد قربانی شدن کودکان بی‌گناه در منازعات هستیم. با گذشت بیش از ۹ ماه از حمله‌ی روسیه به اوکراین، صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) گزارش داده است، که جنگ در اوکراین حداقل (۹۷۲) کودک کشته یا زخمی بر جای گذاشته است. از زمان تشدید جنگ، به‌طور متوسط روزانه بیش از پنج کودک کشته یا مجروح شدند و این فقط آماری است که سازمان ملل متحد توانسته است آن را تأیید کند. دست‌اندرکاران تهیه این گزارش معتقدند که عدد واقعی بسیار بیشتر است. در گزارش ارائه شده از سوی یونیسف آمده است که استفاده از سلاح‌های انفجاری باعث تلفات بیشتر کودکان شده است.

¹ International Day of Innocent Children Victims of Conflicts.



این تسلیحات بین غیرنظامیان و جنگجویان تبعیضی قائل نمی‌شوند، به‌ویژه هنگامی که در مناطق پرجمعیت مورد استفاده قرار می‌گیرند. همان‌طور که در اوکراین اتفاق افتاده است و در ماریوپول، لوهانسک، کرمنچوک، و وینیتسیا و... البته متأسفانه فهرست مناطق آسیب‌دیده طولانی است. بار دیگر، مانند همه جنگ‌ها، تصمیمات بی‌ملاحظه‌ی بزرگسالان، کودکان را در معرض خطر شدید قرار داده است. هیچ عملیات مسلحانه‌ای وجود ندارد که منجر به آسیب کودکان نشود. در مثالی دیگر در چند ماه گذشته و با توجه به افزایش بیش از پیش خشونت‌ها میان اسرائیل و فلسطینی‌ها در نوار غزه، در تاریخ ۳ فوریه سال (۲۰۲۳) میلادی، آقای "وولکر تورک"^۱ کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در بیانیه‌ای اعلام داشت که برنامه‌ی کابینه‌ی اسرائیل برای افزایش مجوزهای حمل سلاح نتیجه‌ای جز خشونت بیشتر و ریخته شدن خون‌های بیشتر ندارد. آقای ترک ابراز نگرانی کرده است که اقدامات اخیر اسرائیل "تنها به نقض بیشتر قواعد حقوق بشر و حقوق بین‌المللی بشردوستانه دامن می‌زند." وولکر در بیانیه‌ی خود می‌افزاید: «در سال (۲۰۲۲) میلادی شاهد رکوردشکنی بی‌سابقه در مورد کشتار فلسطینیان در کرانه باختری و قدس شرقی بودیم و این وضعیت در سال (۲۰۲۳) هم به همین شدت ادامه یافته است که بخش قابل توجهی از این قربانیان کودکان هستند.» ایشان همچنین خواستار پایان بخشیدن به تشدید تنش‌های غیرمنطقی شد و از رهبران طرفین خواست فوراً جهت حل مناقشه‌ی چند دهه مابین خود تلاش کنند. از زمان پایان انتفاضه دوم در سال (۲۰۰۵) میلادی، سال (۲۰۲۲) مرگبارترین سال در کرانه باختری شناخته شد. طبق گزارش دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد که در سال (۲۰۲۲) منتشر شده است، در سال (۲۰۲۲)، علاوه بر کشته شدن ۲۰ کودک فلسطینی در غزه، ۱۷۰ کودک دیگر نیز در حملات ارتش اسرائیل زخمی شدند. به عنوان مثال در یازدهم دسامبر (۲۰۲۲) میلادی یک کودک فلسطینی دیگر جان خود را از دست داد و طی آن نیروهای اسرائیلی در یک عملیات نظامی، جانا زکارنه کودک شانزده ساله‌ای که روی پشت بام خانه‌اش ایستاده بود را از ناحیه سر مورد ضربت گلوله قرار دادند. به دنبال قتل زکارنه، محمد اشتیه نخست وزیر تشکیلات خودگردان فلسطین، از سازمان ملل متحد درخواست کرد تا اسرائیل را به فهرست سیاه کشورهای که ناقض حقوق کودکان در مناطق درگیر هستند اضافه کند؛ اما اسرائیل تا به امروز در فهرست سیاه سالانه قرار نگرفته است.

^۱ فولکر تورک؛ دیپلمات و حقوقدان اهل اتریش و معاون دبیرکل سازمان ملل متحد می‌باشد. تورک از ۸ سپتامبر ۲۰۲۲ میلادی با اجماع عمومی‌ای سازمان به عنوان کمیسر عالی حقوق بشر سازمان انشعاب انتخاب شد.



۳-۲-۵- سودان

اجازه حضور نیروهای سازمان ملل و یونیسف در جنوب سودان، تا حدودی، به بهبود اوضاع کمک کرده است و قوانینی در جرم‌انگاری سربازگیری وضع شده و در ترخیص سربازان کودک، تمهیداتی در نظر گرفته شده است. علی‌رغم این پیشرفت‌ها، هنوز هزاران سرباز کودک در سربازخانه‌ها باقی مانده‌اند و برخی از ترخیص‌شدگان به دلیل ناکارآمدی ساز و کارهای پیش‌بینی شده دوباره به اردوگاه‌های نظامی بازگشته‌اند. از سال ۲۰۰۶ میلادی به این سو، بسیاری از کودکان در درگیری‌های مسلحانه میان ارتش ملی آزادی‌بخش سودان و نیروهای مسلح دولتی جان باختند، نیروهای ارتش ملی در مواردی دست به حمله علیه مدارس زده است و تجاوز و خشونت جنسی به عنوان یکی از روش‌های جنگ به ویژه علیه دختران گزارش می‌شود.^۱

۳-۲-۶- دیگر کشورها

در برون‌دی، به دلیل منازعات سیاسی میان حکومت و نیروهای آزادی‌بخش ملی، کودکان به گروه‌های معارض می‌پیوندند. علاوه بر سربازگیری از کودکان، تجاوز و خشونت‌های جنسی علیه کودکان گزارش شده که ۸۰ درصد آن، علیه دختران بوده است.^۲ در جمهوری آفریقای مرکزی، هر چند برنامه عمل سه جانبه میان حکومت، نیروهای متحد دموکراتیک و یونیسف، به ترخیص تعداد زیادی از سربازان کودک انجامید؛ ولی در مواردی، از آنان برای پشتیبانی و تدارکات نیز استفاده می‌شود. حملات انتقام‌جویانه نیروهای مسلح دولتی به روستاهایی که گمان همکاری آنان با شورشیان وجود دارد، به تخریب و آتش‌سوزی کامل یا جزئی ۱۳۸۹ مسکن، ۷ مدرسه و ۳ مرکز بهداشتی به طور کامل یا جزئی منجر شده است. سربازگیری اجباری از کودکان در جمهوری دموکراتیک کنگو^۳، به تعطیلی مدارس انجامیده است. دره‌اییتی، تعدد گروه‌های مسلح درگیر، توجه مسئولیت به هر یک از این گروه‌های مسلح را دشوار کرده است؛ ولی گزارش‌ها حاکی از به کارگیری کودکان در حمل‌نامه، جمع‌آوری اطلاعات، حمل و نقل و پنهان کردن سلاح است.^۴ ربودن کودکان و خشونت‌های جنسی به ویژه علیه زنان و دختران نیز گزارش شده است. در میانمار و نپال، با وجود

¹ Ibid, 94-103² Ibid, 24, 27³ Ibid, 29,31,38⁴ Ibid, 47-48

برخی پیشرفت‌ها، پدیده سربازگیری از کودکان زیر ۱۸ سال دیده می‌شود. در میانمار، برخی از گروه‌ها اجازه ندادند تا کمک‌های انسان‌دوستانه در اختیار کودکان قرار گیرد.^۱

۴- آثار جنگ بر کودکان

۴-۱- آثار مستقیم و غیرمستقیم بر آینده کودکان

با آن‌که از نیمه دوم قرن بیستم، تلاش شده است تا صلح و امنیت پس از دو جنگ خانمان‌سوز بر جهان حاکم گردد؛ با این وجود، بشر با جنگ وارد هزاره سوم شده است. هر چند هم اکنون هیچ جنگ بین‌المللی وجود ندارد ولی در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ میلادی نزدیک به ۵۶ مخاصمه داخلی و غیر بین‌المللی صورت گرفته است. اکنون نیز در نزدیک به ۳۰ منطقه از جهان درگیری‌های مسلحانه داخلی وجود دارد که آثار مستقیم و غیر مستقیم آن بر اقتصاد، امنیت، سلامت و بهداشت انسان‌ها به ویژه کودکان، انکارناشدنی است. جنگ‌ها به طور طبیعی با خود زیان‌های مادی، انسانی، اخلاقی و فرهنگی فراوانی به بار می‌آورند و در مورد کودکان بی‌هیچ تردیدی همه حقوق آنان را هدف قرار می‌دهند؛ از جمله: حق حیات، حق بودن با خانواده و اجتماع، حق بهداشت، حق پیشرفت و تحصیل، حق بی‌طرف ماندن و تحت حمایت بودند.^۲ تلفات غیرنظامیان در جنگ‌های گذشته کمتر از جنگ‌های کنونی بوده است. میزان تلفات غیرنظامیان را در جنگ جهانی نخست بین ۵ تا ۸ درصد و در جنگ جهانی دوم تا ۵۰ درصد برآورد کرده‌اند. اما این رقم اکنون، به ۹۰ درصد رسیده است.^۳ مهندسی سلاح‌های جدید همان‌گونه که میزان امنیت کاربران را بالا برده است، بر تلفات، زیان‌ها و صدمات طولانی مدت وارده بر غیرنظامیان نیز افزوده است. در جنگ‌های امروزین رعایت اصل تفکیک، میان نظامیان و غیرنظامیان نسبت به جنگ‌های گذشته پیچیده و دشوارتر شده است. این وضعیت یکی از چالش‌های جدی پیش روی حقوق بشردوستانه و صلیب سرخ جهانی است. از تاکتیک زمین سوخته گرفته تا تجاوز به عنف، مسموم کردن چاه‌های آب، تخریب باغات و مزارع، پاک‌سازی قومی و کشتار جمعی، هجوم به آموزشگاه‌ها و آموزگاران، جلوگیری از رسیدن کمک به آسیب‌دیدگان و نیازمندان، در منازعات مسلحانه جدید دیده می‌شود و به طرز بی‌سابقه‌ای زنان و کودکان در نبردها، هدف بی‌رحمی‌ها و خشونت قرار می‌گیرند.^۴ بنابر جدیدترین آمار یونسف، حدود ۲۰ میلیون کودک به دلیل جنگ و یا نقض حقوق بشر، مجبور به

¹ Ibid, 64-77

² Machel, 1996, p. 30

³ Harvey, 2003, p. 5

⁴ Machel, 1996, p. 24



ترک وطن خود شده‌اند و به عنوان پناهنده در کشورهای مجاور یا در مناطق مرزی زندگی می‌کنند. آنان گاه در مسیر جابجایی از خانواده‌های خود جدا شدند و مورد آزار جسمی قرار گرفتند و یا ربوده شده و در گروه‌های نظامی مورد سوء استفاده قرار گرفتند، یا در اثر گرسنگی جان باختند. در دهه گذشته حدود ۲ میلیون کودک در اثر جنگ کشته شدند و سه برابر آنان یعنی ۶ میلیون در اثر جراحات‌های وارده کاملاً ناتوان شده یا آسیب جدی دیده‌اند. حدود یک میلیون از آنان یتیم شده و خانواده خود را از دست داده‌اند. ۸ الی ۱۰ هزار کودک در اثر انفجار مین‌های زمینی کشته و یا نقص عضو شده‌اند. حدود سیصد هزار کودک زیر ۱۸ سال از پسر و دختر، در ۳۰ درگیری موجود در مناطق مختلف جهان به عنوان سرباز به کار گرفته می‌شوند. از آنان به عنوان رزمنده، پیک، گزارشگر، باربر، آشپز و ارائه دهنده خدمات جنسی بهره‌کشی می‌کنند. برخی از آنان به اجبار و برخی در اثر فقر و تهی دستی و برخی دیگر برای انتقام از آن چه بر خود یا خانواده‌های آنان رفته است در این مسیر قرار گرفته‌اند. کودکان دختر، مورد خشونت‌های محلی، تجاوز به عنف و سوءاستفاده جنسی قرار گرفته و به فروش می‌رسند. طرف‌های درگیر از انواع خشونت علیه زنان و دختران، به عنوان استراتژی جنگ استفاده می‌کنند که نمونه‌های آن را در درگیری‌های یوگسلاوی سابق و رواندا می‌توان مشاهده کرد. جنگ آثار مستقیم و غیرمستقیم بر آینده کودکان به جای می‌گذارد. مرگ و میر ناشی از جراحات‌های وارده، سوء تغذیه، جابجایی جمعیت، آسیب دیدن سیستم‌های آبرسانی سالم و بهداشتی ضایعات سنگینی به کودکان وارد می‌آورد. کودکانی که در جنگ شاهد کشتارهای بی‌رحمانه نزدیکان و خانواده خود باشند، سال‌های پس از آن را با آسودگی سپری نمی‌کنند. نخستین گزارش بین‌المللی مربوط به تأثیرات جنگ بر کودکان توسط خانم «گراچا ماشل» کارشناس سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۹۶ میلادی تهیه شد. دومین گزارش پس از ۱۱ سال و اخیراً در دسامبر سال ۲۰۰۷ میلادی از سوی شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد منتشر شد. هر دو گزارش به خوبی تأثیرات جنگ بر کودکان را نشان می‌دهند.

۴-۲- آوارگی

یکی از عوامل جابجایی و آوارگی وسیع انسان‌ها در طول تاریخ، جنگ و نزاع‌های مسلحانه بوده است. کودکان بدلیل آسیب پذیری خود بخش عمده‌ای از آوارگان جنگی را تشکیل می‌دهند. براساس آمار از بین سی میلیون آواره دنیا، ۸۰٪ آنان را کودکان تشکیل می‌دهند و هر روز حدود ۵۰۰۰ کودک آواره به جمع آوارگان اضافه می‌شود. این کودکان آواره در دو گروه آوارگان داخلی و بین‌المللی تقسیم می‌شوند که گروه دوم تحت حمایت کمیساریای عالی پناهندگان قرار دارند. کودکان آواره در تمام نقاط دنیا حضور دارند. نمونه بارز این کودکان را کودکان آواره آفریقایی،



افغانی، عراقی و فلسطینی تشکیل می‌دهند. گروه اخیر شاید مظلومترین گروه آوارگان باشند؛ زیرا از سال ۱۹۴۸ میلادی تاکنون درگیری‌های اعراب و اسرائیل، خانواده‌های فلسطینی سه تا چهار بار جابجا شده‌اند. و امروزه چهارمین نسل کودکان فلسطینی در اردوگاه‌هایی زندگی می‌کنند که اجدادشان آن‌ها را بنا نهاده‌اند. زندگی در این اردوگاه‌ها مشکلات متعددی را به دنبال دارد و کودکان را با آسیب‌های روحی مواجه می‌سازد. کودکان آواره در مقایسه با بزرگسالان آواره به دلیل آسیب پذیری خود با خطرات جسمی و روحی بیشتری مواجه می‌شوند که حمایت ویژه‌ای را طلب می‌کند. مشکل کمبود مواد غذایی، مسکن، بیماری‌های مسری و غیرمسمری، جدایی از خانواده، سربازی اجباری و حتی سوءاستفاده‌های جنسی و قطع تحصیلات از جمله عواملی هستند که رشد جسمی و روحی آن‌ها را با مشکلاتی روبرو می‌سازد. حتی در اردوگاه‌ها نیز بدلیل شرایط نامناسب بهداشتی، تعارضات فرهنگی بین ساکنان اردوگاه، کمبود مواد غذایی و غیره، شرایط آوارگان و به‌ویژه کودکان با شرایط طبیعی بسیار فاصله دارد. بطور کلی جابجایی و آوارگی کودکان علاوه بر نتایج جسمی و روحی، عواقب آموزشی و تربیتی نیز دنبال دارد که در این زمینه می‌توان به تأخیر تحصیلی و از دست دادن انگیزه تحصیلی کرد که حتی باز پروری آنان را در مدارس کشور محل اسکان بسیار دشوار و در بعضی موارد غیرممکن می‌سازد.

حقوق و مطالعات نوین

۴-۳- بی سرپرستی

کودکان بی سرپرست گروه دیگری از کودکان قربانی جنگ هستند. بر اساس آمار یونیسف در سال ۲۰۰۱ فقط دو میلیون کودک زیر پانزده سال بدلیل جنگ و بیماری ایدز، یکی از والدین خود را از دست داده‌اند. بطور کلی هر کودکی در زمان رشد خود نیاز به والدینی دارد که او را مورد حمایت قرار داده و زمینه رشد جسمی و روحی او را فراهم آورند. این نیاز به ویژه در بعد روحی آن تا سن معینی وجود دارد و در مواقع بحرانی از جمله جنگ و درگیری‌های مسلحانه بسیار شدیدتر می‌شود. به همین دلیل در مقدمه پیمان نامه حقوق کودک، خانواده به عنوان واحد اساسی هر جامعه شناخته شده که در رشد جسمی و روانی کودک نقش عمده‌ای دارد. در زمان جنگ یا در حین جابجایی و آوارگی ناشی از آن، ممکن است کودک پدر یا مادر یا هر دو را از دست بدهد که چنین امری تأثیرات منفی متعددی بر زندگی کودک خواهد داشت. اولین تأثیر، ناراحتی روانی ناشی از فقدان پدر یا مادر و از دست دادن روحیه است. برای کودکان بی سرپرست آینده مبهم به نظر می‌رسد. عدم تغذیه مناسب و اشتغال برای کمک به خانواده از جمله عواملی است که امکان ترک تحصیل را به وجود می‌آورد و آنان را از مدرسه دور می‌کند. باید توجه داشته باشیم که اگر در مورد بعضی کودکان بی سرپرست وجود اقوام نزدیک می‌تواند تا حدی خلأ عاطفی ناشی از فقدان



والدین را پرکند، مشکل کودکانی که تمامی اعضای فامیل خود را از دست می دهند، بسیار حادثتر است و وضعیت آنان حمایت بیشتری را می طلبد. سازمان بهداشت جهانی در مورد کودکان عراقی به این موضوع اشاره می کند که اثرات روانی فقدان والدین، این کودکان را سال ها و حتی تا پایان عمر رها نخواهد کرد.

۴-۴- سلامت کودکان

در مخاصمات مسلحانه، خشونت‌های متعددی در شکل‌های مختلف گریبان‌گیر کودکان می شود، که خواه و ناخواه سلامت آنان را در معرض خطر قرار می دهد. یکی از بارزترین گونه‌های خشونت، به کارگیری کودکان در درگیری های مسلحانه است که همواره موجب نگرانی خانواده‌ها و کل آدمیان از این امر و منجر به اقداماتی از سوی آن ها شده است، اما برای ممانعت از به کارگیری فرزندان و هم‌نوعان خود، آن ها را به نواحی دیگر انتقال می‌دهند و موجب پناهندگی کودکان می‌شوند. از دیگر سو، با وجود فزونی کودکان در اردوگاه‌های پناهندگان و مهاجران، و نبود یا دست کم ضعف چشمگیر امنیت در داخل و اطراف این اردوگاه‌ها، گروه‌های شورشی و مسلح، کودکان را می‌ربایند و به هولناک‌ترین گونه‌های ممکن، خرید و فروش می‌کنند؛ به گونه‌ای که، این وضعیت در مرزهای کشورهایی از جمله کلمبیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، چاد، سودان و اوگاندا کاملاً آشکار است.^۱ افزون بر این، پژوهش‌های زیادی نشان می‌دهند که به دنبال تخریب خانه‌ها، منع یا ایجاد تأخیر عمدی در عبور و مرور از محل‌های ایست و بازرسی، دسترسی به مراقبت و خدمات پزشکی دشوار شده و تهدید جدی برای سلامت جسمی این دسته از کودکان پدید آمده است؛ به گونه‌ای که، از اکتبر ۲۰۰۶ تا اگوست ۲۰۰۷ میلادی، ظاهراً ۴۴۲ حادثه به وقوع پیوسته، با تأخیر یا توقف آمبولانس حامل بیمار از محل‌های بازرسی گزارش شده است. البته ناگفته نماند که پیامدهای ناگوار جنگ، تنها به این موارد خلاصه نمی شود، بلکه با خشونت‌های متعددی همراه است. به عنوان نمونه، براساس گزارش‌هایی از درگیری ها در سوریه، داعش با انتساب اتهام ارتکاب زنا به یک پسر ۱۵ ساله و اعدام او، والدینش را مجبور به تماشای این صحنه کردند، و جسد او را به مدت سه روز به نمایش گذاشتند.^۲ علاوه بر آن، بدترین شیوه خشونت علیه کودکان، خشونت جنسی است که دختران و گاهی حتی پسران، در معرض چنین خشونت تحقیرآمیزی قرار می‌گیرند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد در ۶۰ درصد موارد ثبت شده خشونت جنسی در منطقه «کیسانجانی»

¹ The Secretary General, 2007 (b), p. 2

² The Secretary General, 2015 (a), p. 32



جمهوری دموکراتیک کنگو، سن بزه‌دیده بین ۱۱ تا ۱۷ سال بوده است.^۱ همچنین نرخ مرگ‌ومیر کودکان و مادران در یمن، به مراتب بیشتر از سایر کشورها در سراسر منطقه تخمین زده شده است؛ به گونه ای که از هر ۲۰ کودک، یک نفر با سن زیر ۵ سال فوت می شود؛ در صورتی که این نسبت در کشورها خاورمیانه و آفریقای شمالی، به ازای هر ۳۲ نفر، یک مورد است. همچنین نرخ مرگ‌ومیر زنان طی بارداری، زایمان و پس از آن، یک مورد از هر ۳۷۰ نفر است؛ اما این میزان در بین زنان خاورمیانه و آفریقای شمالی یک مورد از هر ۹۰۹ نفر می باشد.^۲

۵- حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه

دولت های درگیر در مخاصمات مسلحانه باید اصل تفکیک را در مورد افراد و اهداف نظامی و غیرنظامی محترم شمرده و بدان پایبند باشند و کشتار کودکان و نوجوانان نادیده گرفتن این اصل مسلم معاهدات بین‌المللی است. یکی از اصلی‌ترین قربانیان جنگ‌های بشری در طی تاریخ کودکان هستند. آن‌ها کسانی هستند که در جنگ‌ها کشته می‌شوند، مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، خانه و خانواده خود را از دست می‌دهند و با فقدان آموزش و بهداشت با جنگ‌ها عمیق روحی مواجه می‌گردند. کودکان به عنوان بخشی از جامعه که به بیشترین حمایت در برابر خشونت و آزار جنسی و سوءتغذیه، و شرکت در مخاصمات مسلحانه نیاز دارند، معمولاً در دوران تنش و نزاع مسلحانه به فراموشی سپرده می‌شوند و در این فضای بی‌کیفری به فراخور مورد استفاده نیروهای نظامی قرار می‌گیرند. کودکانی که به عنوان سرباز مورد استفاده نیروهای نظامی قرار می‌گیرند، مأمور به اعمال خشونت‌هایی می‌شوند که تأثیر آن‌ها بر روانشان غیرقابل انکار و بعضاً غیر قابل درمان است. این عده سربازانی هستند که در سنین زیر ۱۸ سال شاهد فجیع‌ترین جنایات، قتل، ویرانی و ... هستند و از طرفی به دلیل اثرپذیری و تربیت‌پذیری در محیطی خشن خود عاملان جنایات فجیع‌تری در آینده خواهند بود. در این راستا، قبل از هر چیز باید مفهوم و انواع حمایت را بدانیم:

۵-۱- مفهوم حمایت

اساساً حقوق بشردوستانه، حقوقی حمایتی و برای حراست از شأن و کرامت ذاتی آدمی در زمان مخاصمه است. بنابراین، اگر بگوییم واژه «حمایت» قلب حقوق بین الملل بشردوستانه است، سخنی به گزاف نگفته‌ایم و انواع تعهدات مقرر در اسناد مربوطه، با هر کلمه یا عبارتی که آمده باشند، مفهوم و جوهره اساسی آن اعمال همین حمایت است. حمایت در معنای اخص نیز، در امان

¹ The Secretary General, 2015 (b), p. 2-3

² Ibid, 5



قراردادن سکنه غیرنظامی از عملیات جنگی است و شامل تعهدات سلبی یا ایجابی، مانند حمله نبردن به سکنه غیرنظامی، نترساندن آن ها، و تخریب نکردن اموالشان است.^۱ از سوی دیگر، حمایت عام بدین معناست که بدون توجه به خصوصیات فردی، شغلی، جنسی، نژادی و... این حمایت شامل تمام افراد بشر است و کلیه فعالیت‌های بشردوستانه‌ای را که هدفشان، حفاظت از جمعیت غیرنظامی در برابر مناقشات مسلحانه و کمک در جهت از بین بردن آثار آن و کمک به زیست بعدی است، در برمی‌گیرد. این حمایت، جمع حق است؛ یعنی حقوقی که عامه افراد در طول دوران جنگ و درگیری از آن برخوردارند، حال آن که حمایت خاص به حمایت از گروه‌های انسانی که در طبقه خاص هستند، مثل زنان، کودکان، پناهندگان، روزنامه‌نگاران سالخودگان، معلولان و... اطلاق می‌گردد که نوعی حمایت تکمیلی و اضافی است.^۲

۵-۲- قلمرو و محدوده حمایت از کودکان

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، فارغ از اینکه جنگ داخلی باشد یا وصف بین‌المللی داشته باشد، کودکان از حمایت خاص مقرر در اسناد بهره‌مند هستند و هر جا که حقوق بیشتری برای آن‌ها در نظر گرفته شده باشد، همان‌ها ملاک کار و معتبر خواهند بود. در این خصوص، به عنوان شاهد مثال، می‌توان با استناد به پیمان نامه چهارم ژنو ۱۹۴۹ و حقوق مصرح در آن، از جمله مواد ۳۳، ۲۴، ۳۸، ۵۰، ۵۱، ۶۸، ۷۹، ۸۹ و ۱۳۳ دریافت که اصولاً صحبت از مکان درگیری نیست و علاوه بر آن، در پروتکل شماره یک ۱۹۹۷ در عرصه مخاصمات بین‌المللی در مواد ۷۰، ۷۷ و ۷۸ به مسئله حمایت از کودکان به طور مجزا پرداخته شده است و در پروتکل دوم ۱۹۹۷ در عرصه مخاصمات غیر بین‌المللی نیز در مواد ۴ و ۶ به همین صورت، حقوقی برای کودکان در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر، براساس مواد ۱ و ۲ پیمان نامه چهارم ژنو «دولت‌های معظم متعهد می‌کنند که این قرارداد را در همه احوال محترم شمرده و اتباع را به احترام آن وادارند» و «علاوه بر مقرراتی که باید در زمان صلح به موقع اجرا گذاشته شود، این قرارداد در صورت وقوع جنگی که رسماً اعلان شده باشد یا هرگونه نزاع مسلحانه که بین دو یا چند دولت معظم متعهد بروز کند، اجرا خواهد شد...»^۳ برای مثال، آموزش حقوق بشردوستانه در زمان صلح بویژه برای افراد نظامی و تفکیک میان اهداف و اموال نظامی و غیرنظامی از یکدیگر یا اشغال سرزمینی از جمله این مصادیق هستند.

^۱ کمیته حقوق بشردوستانه. بررسی تحولات اخیر حقوق بشردوستانه بین‌المللی، ص. ۱۵۴.

^۲ ضیایی بیگدلی. حقوق بین الملل بشردوستانه، ص. ۱۰.

^۳ کمیته ملی حقوق بشردوستانه، ۱۳۸۱، ص. ۱۴۸.



بنابراین، در هر زمانی و در هر مکانی که به نوعی وضعیت بحرانی تخاصم به وجود آید، بلافاصله حقوق حمایتی مطرح شده در این اسناد جلوه‌گر و جزء اولین قواعد انسان‌دوستانه مطرح می‌شوند.

۵-۳- انواع حمایت

برای کودکان همانند سایر غیرنظامیان می‌توان سه نوع حمایت عمده را مطرح نمود:

۵-۳-۱- حمایت فنی

در این خصوص به استفاده از وسایل فنی اشاره می‌شود؛ مانند توزیع ماسک‌های گاز، ساخت پناهگاه‌ها علیه حمله‌های هوایی یا بمباران اتمی، ساخت پرورشگاه‌ها جهت اسکان کودکان جدا شده از خانواده، انتقال کودکان به مناطق دور از دسترس دشمن و سایر موارد. اما باید دانست که به دلیل ماهیت غیر قابل پیش‌بینی حمله دشمن و نامشخص بودن ابزار و وسایل مورد استفاده دشمن با اولویت‌های نظامی، این گونه حمایت ممکن است کارایی چندانی نداشته باشد.^۱ بنابراین، هر چند وجود حمایت فنی لازم است، ولی برای نیل به مقصود کافی نیست.

۵-۳-۲- حمایت نظارتی

نظارت بر حسن اجرای مفاد پیمان نامه‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های آن، امدادسانی به افراد درگیر در مناقشه، ترویج حقوق بشردوستانه توسط نهضت بین‌المللی صلیب سرخ، جمعیت‌های ملی آن و به ویژه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از یک‌سو و وظایف کمیته حقوق کودک که براساس ماده ۴۳ پیمان نامه حقوق کودک تأسیس شده است و بر حسن اجرای مفاد پیمان نامه حقوق کودک ۱۹۸۹ میلادی نظارت می‌نماید از سوی دیگر، موجب گردیده است که بر وضعیت کودکان در مخاصمات مسلحانه به صورت مسئله‌ای جداگانه و بسیار جدی نگریسته شود، زیرا کمیته حقوق کودک با دریافت گزارش‌ها از دولت‌های عضو معاهده حقوق کودک و مشورت با سایر سازمان‌های تخصصی به اقدامات قانونگذاری، اداری، اجرایی و قضایی کشورهای عضو نظارت می‌نماید و تدابیری که دولت‌ها در جهت حفظ و حراست از کودکان در مخاصمه به عهده گرفته‌اند، مورد بررسی قرار می‌دهد و همچنین به اقدامات پیشگیرانه آن‌ها استناد می‌کند و زمینه را برای تفسیر مفاد پیمان نامه آماده می‌نماید. در کنار این دو نهاد اصلی، سایر ارگان‌های ملی یا بین‌المللی، از جمله شورای

^۱ ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰، ص. ۱۲۲



امنیت، صندوق کودکان ملل متحد، کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، سازمان های غیر دولتی کشور متخاصم و افکار عمومی را نیز می توان اضافه کرد.

۵-۳-۳- حمایت حقوقی

در زمینه حمایت حقوقی از کودکان باید گفت که به طور کلی، در در روند، یعنی در قالب حمایت خاصی از غیر نظامیان در حقوق بشردوستانه بین المللی از یک سو و از طرف دیگر، در اسناد بین المللی که در جهت ترویج و حمایت حقوق انسانی کودکان، اعم از زمان صلح و زمان جنگ وجود دارند، حمایت حقوقی از کودکان به چشم می خورد. سخن مشترک در هر دو پروسه «حفظ و حمایت از منافع کودکان و جلوگیری از ایراد صدمه روحی و جسمی، فردی و اجتماعی به زندگی آن هاست» بنابراین، حمایت حقوقی را به دو بخش زیر تقسیم می کنیم:

۵-۴- نهادهای اصلی مرتبط با وضعیت کودکان در جنگ ها

اصولاً در دنیای امروز با پیشرفت های حاصل شده در حقوق بین الملل نوین، نهادهای ملی و بین المللی زیادی در خصوص ارتقای حقوق کودک، چه در زمان صلح و چه در زمان محاصره، فعالیت دارند. این نهادهای دولتی یا غیر دولتی، ملی یا فراملی، زمینه سازی تصویب اسناد مختلف با نظارت بر مفاد آن ها را به عهده دارند:

دولت ها مسئولیت ابتدایی حفاظت از کودکان و اعمال عرف های منطقه ای و بین المللی را بر دوش دارند. دولت می تواند با برگزاری کنفرانس هایی از پایتخت کشورهای طرف درگیری، با رهبران سیاسی و دولتی، در خصوص تعیین وضعیت غیرنظامیان، بویژه کودکان، اقدامات مشورتی، تقنینی، اجرایی و قضایی انجام دهد. دولت در عین حالی که نقش حمایت کننده از کودکان در زمان جنگ به عهده دارد، می تواند ناقض حقوق آنان نیز باشد. بنابراین، مسئولیت اولیه متوجه اوست. این، دولت است که با تأسیس اماکن غیرنظامی و بی دفاع در جهت اسکان کودکان، پناهندگان و آوارگان جنگی فعالیت می کند. همچنین فرماندهان نظامی دولت ها، سران و مقامات کشوری و لشکری هستند که به عنوان جنایتکار جنگی تحت تعقیب مراجع داخلی یا بین المللی قرار می گیرند. دولت ها مسئله آموزش حقوق بشردوستانه را در میان کادر نظامی خود توسعه و ترویج می کنند، به امر سربازگیری و شرکت مستقیم کودکان در جنگ با کسب اخبار و اطلاعات برای جاسوسی از دشمن همت می گمارند و سیاست های خود را در جهت نیل به اصل بقاء اعمال می نمایند. کشور بی طرف نیز می تواند حامی منافع کودکان در محاصره قلمداد شود. در واقع، وظیفه اصلی کشور حامی



«حفاظت از منافع طرفین مخاصمه است و نظارت بر اجرای عهدنامه‌ها را به عهده دارد».^۱ براین اساس، وظیفه حمایت از اتباع غیر نظامی طرف درگیر نیز در زمره وظایف وی قرار می‌گیرد. پس از بیان نقش دولت‌های درگیر در مناقشه با کشورهای ثالث و اتخاذ سیاست بی‌طرفی، باید به بیان نهادهای بین‌المللی بپردازیم که از جمله مهم‌ترین آن‌ها کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد است. همان‌طور که گفتیم، این کمیته براساس ماده ۴۳ معاهده حقوق کودک ۱۹۸۹ وظیفه نظارت بر مفاد پیمان نامه حقوق کودک و پروتکل‌های ۲۰۰۰ آن را به عهده دارد و نقشی بسیار ارزنده، سازنده و پویا در جهت تفسیر و نظارت بر اجرای پیمان نامه ایفا می‌نماید. علاوه بر اینکه دولت‌ها ملزمند اقداماتی را که در خصوص ماده ۳۸ معاهده حقوق کودک ۱۹۸۹ اتخاذ نموده‌اند در گزارش اولیه، یعنی پس از دو سال از تصویب سند و بعد از آن هر پنج سال یک بار منعکس نمایند و راهکارها، مشکلات و اطلاعات کافی را در اختیار کمیته حقوق کودک قرار دهند، این کمیته نیز با «تفاسیر عمومی» و «توصیه نامه‌ها» ی خود به تشریح وظایف دولت‌ها درخصوص حفاظت از کودکان در جنگ می‌پردازد: برای مثال، در ۱۰ نوامبر ۱۹۹۹ در مکزیکو، کمیته نگرانی خود را در خصوص نظامی‌کردن کودکان و تشکیل گروه‌های غیر نظامی نامنظم مسلح در سرزمین دولت‌های عضو اعلام کرد و بر حمایت کودکان در مقابل آثار سوپی که پیش روی آن‌هاست تأکید داشت و همچنین به مسئله بازپروری کودکان قربانی توجه ویژه‌ای نمود. بر همین اساس، حدود یک سال بعد رگه‌های این نوع حمایت و تفکر را در تصویب پروتکل ۲۰۰۰ به پیمان نامه حقوق کودک مشاهده می‌کنیم. تا اکتبر سال ۲۰۰۳ کمیته حقوق کودک ۳۴ نشست را پشت سر نهاده و در این اجلاس‌ها به شفاف‌سازی اقدامات دولت‌ها و نقش نظارتی خود پرداخته است. یکی دیگر از مهمترین نهادها، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است که به موجب عهدنامه‌های چهارگانه، ژنو نقش کشور حامی را نیز ایفا می‌کند. این کمیته در جهت یاری به کودکان در جنگ، چهار نقش عمده ایفا می‌نماید:

الف- حمایت از کودکان غیر همراه، تا جایی که امکان دارد تعیین دولت، جستجوی خویشاوندان و اتحاد مجدد خانوادگی و در سایر موارد، در جستجوی راه‌حل‌های طولانی، مانند آموزش افراد ویژه و ارتقای حمایت از حق آموزش؛

^۱ ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۸



ب- نظارت و بهبود شرایط بازداشت، مسئله جداسازی کودکان از نوجوانان و دختران از پسران و تا جایی که امکان دارد افراد بازداشتی خانواده در کنار هم باشند و همچنین تلاش برای رهایی کودکان؛

ج- کمک های غذایی و سایر مشاوره ها و راهنمایی ها حتی در شرایط اضطراری طولانی، حمل و نقل، توزیع غذا، نیازمندی های جسمی و غذایی و غیر آن، شامل توزیع پتو، لباس و سرپناه؛

د- مراقبت پزشکی و سالم نگاه داشتن آن ها، جلوگیری از امراض، کمک های پزشکی، برنامه های غذایی و مقررات آب آشامیدنی. بر همین اساس، این نهاد در رابطه با بهداشت، آموزش، امدادسانی، ترویج حقوق بشردوستانه، تصویب اسناد و نظارت بر حسن اجرای آن ها وظایفی را به عهده دارد و کمیته ها و جمعیت های ملی نهضت بین المللی صلیب سرخ در تعامل با نهادهای دولتی و بین المللی به وجود آمده است، و در اغلب کشورهای اسلامی به عنوان هلال احمر مشهور است. علاوه بر نهادهای فوق، برخی از ارگان های تخصصی ملل متحد نیز از جمله سازمان بین المللی کار، یونسف، یونسکو، کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، برنامه جهانی غذا و ...^۱ در قالب سازمان ملل متحد به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به حمایت از کودکان در زمان جنگ ها و شورش های مسلحانه پرداخته اند.

۶- سازوکارهای بین المللی در حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه

کودکان به عنوان بخشی از جامعه که به بیشترین حمایت در برابر خشونت و آزار جنسی و سوءتغذیه و شرکت در مخاصمات مسلحانه نیاز دارند معمولاً در دوران تنش و نزاع های مسلحانه به فراموشی سپرده می شوند و در این فضای بی کیفیتی به فراخور، مورد سوءاستفاده نیروهای نظامی قرار می گیرند. جامعه جهانی در حمایت از حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه، اقدامات قابل توجهی در عرصه بین المللی و منطقه ای انجام داده است. از جمله اقدامات بین المللی می توان به اعلامیه ی حقوق کودک (۱۹۵۹)، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، کنوانسیون چهارم از کنوانسیون های چهارگانه ژنو و پروتکل های الحاقی آن، و پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، مصوب (۲۰۰۰) اشاره کرد. همچنین در مورد اقدامات منطقه ای، می توان به منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک (۱۹۹۰)، منشور اجتماعی اروپا (۱۹۹۶)، کنوانسیون اتحادیه ی آفریقا برای حمایت و کمک به آوارگان داخلی در آفریقا (۲۰۰۹)، و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر

^۱ وکیلی، ۱۳۸۳، ص. ۵۸ و ۹۸



(۱۹۶۹) اشاره کرد. این اقدامات نشانگر توجه دولت‌ها به آسیب‌پذیری کودکان در مخاصمات مسلحانه است که البته هنوز تعدادی از دولت‌ها، به خصوص دولت‌های آفریقایی نسبت به تعهدات بین‌المللی خود در این زمینه بی‌توجه هستند. با وجود تعداد کثیری کنوانسیون، پروتکل و خود منشور سازمان ملل متحد، وحشت کودکان در اثر بروز جنگ‌ها رو به افزایش است و کودکان بیشتری به طرق مختلف جان و زندگی و موجودیت خویش را از دست داده و می‌دهند. جنگ‌ها به عنوان عامل اصلی، توسعه‌ی جوامع را که برای تساوی حقوقی و اجتماعی کودکان امری مهم است، تحت تأثیر خود قرار داده و آنان را به عنوان قربانیان اصلی و بی‌دفاع جوامع به سوی نابودی و انزوا و تبعیض می‌کشانند. روزانه هزاران کودک در سطح جهان تحت تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم جنگ‌ها در اثر گرسنگی، کمبود آب و غذا و بیماری‌های رایج ناشی از مخاصمات مسلحانه قربانی می‌شوند. بنا بر تخمین سازمان ملل متحد در طول پنج سال گذشته به طور متوسط حداقل ۷۰ کودک در روز با نقض شدید حقوق مواجه شده و هزاران کودک کشته، معلول، به سربازی گرفته شده و یا قربانی آزار جنسی و استثمار قرار گرفته اند.

حقوق و مطالعات نوین



نتیجه گیری

سخن آخر این که کودکان آیینہ تمام‌نمای اشخاص بی‌دفاع در مخاصمات مسلحانہ هستند، با این حال در سراسر جهان، طرف‌های متخاصم یکی از اساسی‌ترین قواعد مخاصمات مسلحانہ را نادیده می‌گیرند و آن حمایت از حقوق کودکان است. ماهیت طولانی مخاصمات امروزی آینده‌ی تمام نسل‌های کودکان را تحت تأثیر قرار داده است. با عنایت به اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای متعدد و توجه ویژه‌ی دولت‌ها و سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای و پیشرفت سریع حقوق بشر و بشردوستانہ و نهادهای ناظر بر حسن اجرای این حقوق و همچنین حساسیت و آگاهی بیش از پیش افکار عمومی نسبت به حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانہ و بیداری وجدان جهانی، به نظر می‌رسد که باید حقوق کودک در مخاصمات مسلحانہ را جز حقوق مسلم و بدیهی مورد قبول جامعہ جهانی بدانیم و بپذیریم که حقوق کودک در این حوزه پذیرش عام یافته و وارد عرصه‌ی حقوق بین‌الملل عرفی شده است. هرچند که باید اعتراف کرد کودکان هنوز هم نیازمند حمایت هرچه بیشتر جامعہ جهانی در برابر مخاصمات مسلحانہ هستند؛ چه در سطح بین‌المللی با انعقاد کنوانسیون مجزا در همین ارتباط، و چه در سطح منطقه‌ای. اما در جنگ‌های جدید عاملی که بسیار برجسته شده است درکی است که بر اساس سیاست هویت شکل گرفته که خود منتج به شکستن هنجارها و نقض قواعد بین‌المللی شده است، عاملی که بیشتر به اهداف سیاسی و منافع دولت‌ها پرداخته است تا انسانیت. شرایط کودکان اوکراینی و فلسطینی در منازعات اخیر در سال (۲۰۲۲) و همچنین سال (۲۰۲۳)، روایتی تلخ و تکان‌دهنده است که می‌بایست تدبیری جدی از طرف دولت‌های طرف مخاصمه و جامعہ‌ی جهانی صورت گیرد. این کودکان امروز هستند که جنگ، همه جوانب حال و آینده زندگی آنان را تهدید می‌کند. ما بزرگسالان باید به رسالت خود نسبت به آنان بیشتر اندیشه و چاره‌جویی کنیم. به امید حمایت بیشتر از این امیدهای فردا و یادمان باشد کودکی رؤیا نیست و حق با کودکان است.



منابع

- ۱- اخگری بناب، نادر، (۱۳۸۸)، جرم‌انگاری خشونت جنسی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ۲۳(۶)، مجله حقوق اسلامی.
- ۲- اشمیت، مایکل، (۱۳۹۱)، نقض حقوق بین‌الملل در مخاصمات مسلحانه، ترجمه: احمد رضا فلاح، مقاله نشریه: ویژه نامه مجله حقوقی بین‌المللی، ۴۶، مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری.
- ۳- افشاری، لادن، (۱۳۹۵)، پرسش و پاسخی درباره حسین هابره، واحد آموزش مرکز حقوق کیفری بین‌المللی ایران.
- ۴- آهنگر اصیل، محمد، (۱۳۹۴)، حمایت از کودکان در فرایندهای پس از مخاصمات مسلحانه در حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۵- باقرپور اردکانی، عباس، (۱۳۸۵)، تعهد عام دولت‌ها به رعایت و کسب اطمینان از رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط متخاصمین، ۲، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، نشر گنج دانش.
- ۶- جعفرپور، سعید، دریکوندی، امیربهادر، (۱۳۹۵)، وضعیت زنان و کودکان در چارچوب نظام حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان لرستان- موسسه عدالت گستر بارکه افلاک، لرستان.
- ۷- جعفری، سیداصغر، (۱۳۹۴)، تحلیل ابزارها و روش‌های ممنوعه در جنگ از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، ۱، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱، تهران.
- ۸- جعفری، سیداصغر، (۱۳۹۶)، اصول حقوق بشردوستانه از دیدگاه امام خمینی (ره)، ۴۷(۲)، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی.
- ۹- جعفری کجور، فریبا، (۱۳۸۶)، حمایت بین‌المللی از کودکان گرفتار در مخاصمات مسلحانه، پایان نامه برای اخذ کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه مفید.



- ۱۰- حبیب‌زاده، محمد جعفر، مقدسی‌رویین، محمد باقر، (۱۳۸۵)، درآمدی بر حمایت کیفری از اطفال بزه‌دیده در حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی، ۵۵، مجله علمی-پژوهشی نامه مفید.
- ۱۱- رضانی‌قوام‌آبادی، محمدحسین، (۱۳۹۲)، تأسیس شعب فوق‌العاده سنگال برای محاکمه حیسن هابره: یک گام به جلو در راستای مبارزه با جنایات بین‌المللی، ۲، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال چهارم، گیلان: گروه دانشگاه گیلان.
- ۱۲- روسو، شارل، (۱۳۶۹)، حقوق مخاصمات مسلحانه، مترجم: ع. م. هنجنی، ۱، دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۳- زیرکجو، مهرک، (۱۳۹۰)، حمایت از حقوق کودک از منظر حقوق بشر دوستانه در مخاصمات مسلحانه (مطالعه موردی در جنگ ۲۲ روزه غزه). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه گیلان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- ۱۴- ژیان‌پور، ایمان، (۱۳۹۳)، حمایت بشردوستانه از زنان در مخاصمات مسلحانه با رویکردی به جنگ عراق علیه ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی شهید اشرفی اصفهان، دانشکده حقوق.
- ۱۵- ساندوز، ایو، (۱۳۷۵)، اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، در مجموعه مقالات حقوق جنگ، پژوهشکده علوم دفاعی و استراتژیک، چاپ اول، دانشگاه امام حسین.
- ۱۶- سلطانی، غلام، (۱۳۹۴)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق مخاصمات مسلحانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده زبانهای خارجی.
- ۱۷- شاو، مالکوم‌ناتان، (۱۳۹۵)، حقوق مخاصمات مسلحانه، مترجمان: حسینی، سیده لطیفه، حسینی، نرگس سادات، ۱، نشر خرسندی، ۱.
- ۱۸- شفیعی‌بافتی، نگین، هنجنی، سیدعلی، (۱۳۹۲)، ابعاد حقوقی بین‌المللی مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی. چاپ اول، انتشارات میزان، تهران.



- ۱۹- شیایزری، کیتی، ساک، کریانگ، (۱۳۹۱)، حقوق بین‌المللی کیفری، مترجمان: یوسفیان، بهنام، اسماعیلی، محمد، چاپ دوم، نشر سازمان سمت.
- ۲۰- ضیایی‌بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۹۲)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، چاپ اول، انتشارات گنج دانش، تهران.
- ۲۱- ضیایی‌بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۹۷)، حقوق جنگ (حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه)، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- ۲۲- کمیته حقوق بشردوستانه. بررسی تحولات اخیر حقوق بشردوستانه بین‌المللی، ص. ۱۵۴.
- ۲۳- متاجی، محسن، (۱۳۹۴)، بررسی عنصر روانی جنایت نسل‌زدایی در پرتو رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کرواسی علیه صربستان. فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، پلیس بین‌الملل ناجا، ۲۳، تهران.
- ۲۴- مروت، مجتبی، (۱۳۸۵)، «حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه». مجله پژوهش حقوق و سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۸.
- ۲۵- مروت، مجتبی، (۱۳۸۵)، حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه. نشریه دو فصلنامه حقوق و سیاست، ویژه حقوق، ۱۸.
- ۲۶- مصفا، نسربین، (۱۳۸۵)، کودکان و تعارضات مسلحانه، مجموعه مقالات همایش نهضت بین‌المللی صلیب سرخ، هلال احمر و حقوق بشردوستانه، چاپ اول، انتشارات کلام شیدا، تهران.
- ۲۷- معظمی، شهلا، نامیان، پیمان، (۱۳۹۴)، نسل سوم محاکم کیفری بین‌المللی؛ دستاوردها، هنجارها و چالش‌ها، ۱۱، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری.
- ۲۸- ممتاز، جمشید، رنجبریان، امیرحسین، (۱۳۸۴)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مخاصمات مسلحانه داخلی، چاپ اول، نشر میزان، تهران.
- ۲۹- میرمحمدی، سیدمصطفی، (۱۳۸۷)، حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه (رهیافت‌های حقوق بین‌الملل و حقوق اسلام)، دوفصلنامه حقوق بشر ۲ (۴).



۳۰- نیکو مفخم، حسن، (۱۳۷۸)، حمایت از زنان و کودکان در حقوق بشردوستانه. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

۳۱- ویلیام، شبت، (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر دیوان بین‌المللی کیفری، ترجمه: س.ب. میرعباسی، ح. الهویی نظری، انتشارات جنگل، چاپ اول، تهران.

۳۲- هنکرتز ژ، دسوالدبک ل، (۱۳۹۰). ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و کمیته صلیب سرخ.

۳۳- هنکرتز، ژان ماری، رول، باتیست، آلورمن، کارولین، دوسوالدبک، لوئیس، دورمن، کنوت (۱۳۸۷)، حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، جلد اول، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران.

34- Aptel, C., (2014), Unpunished Crimes: The Special Court of Sierra Leone and Children, ed by: Charles Chernor Jallah, The Sierra Leone Special Court and its Legacy: The Impact for Africa and International Criminal Law, Cambridge University Press.

35- Brickell, K., (2008), Free in the House: Gendered Experience of Drunkenness and Violence in Siem Reap, Geoforum, vol. 39.

36- Brammertz, S., & Jarvis, M., (2016), Prosecuting Conflict-Related Sexual Violence at the ICTY, Oxford University Press.

37- Broadhurst, R., & Bounhours, T., & Bouhours, B., (2015), Violence and the Civilizing Process in Cambodia, Cambridge University Press.

38- Buerghenthal, T., (1976), International Human Rights, West Academic Publishing.

39- Bujard, D. L., (1977), Le Correspondant de press en temps de guerre, Rapport au colloque de la scociete francaise pour le droit international, Juin, 5.

40- Dinstein, Y., (2004), The Conduct of Hostilities under the Law of International Armed Conflict, Cambridge University Press.

41- Devakumar, D., (2014), The intergenerational effects of war on the health of children, BMC Medicine, 12. (57)



- 42- Divine, G., (2017), No Safe place for Women Stop Violence Against Women Challenge 2017, create Space Independent Publishing Platform .
- 43- De Brouwer, A., Marie, (2005), Supranational Criminal Prosecution of Sexual Violence: The ICC and Practice of the ICTY and ICTR Intersentia nv.
- 44- De Brouwer, A, M., & Ka Hon Chu, S., (2012), The Men Who Killed Me: Rwandan Survivors of Sexual Violence, Douglas and McIntyre Publishers.
- 45- Fall, M., (2014), the Extraordinary African Chambers: The Case of Hissene Habre, Africa and the International Criminal Court.
- 46- Focarelli, C., (2010), "Common Article 1 of the 1949 Geneva Conventions: A Soap Bubble?", EJIL, Vol. 21, No. 1.
- 47- (2001), Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts with commentaries, Yearbook of the International Law Commission.
- 48- Final Declaration of the International Conference for the Protection of War 1993 Victims, 1993.
- 49- Resolution Adopted at the Seventh Plenary Session of the General Assembly of the Organization of American States, 1997.
- 50- European Union Guidelines on promoting compliance with international humanitarian
- 51- law, 2005.
- 52- Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, 1986.
- 53- Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996.
- 54- Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, 2004.



Protection of children's rights in international armed conflicts from the perspective of international humanitarian law

Mohammad Mehdi Seyyed Naseri¹ / Sina Darvishi²

Abstract

Reconciliation and tranquility are the appetite of all nations; however, throughout the world, we are bystanders to the occurrence of novel strife and conflicts. Regardless of the reason of what is the cause for starting or continuing these conflicts, individuals with the minimum facilities that have to protect themselves get involved. The most common and vulnerable of these groups are children; in fact, they sacrifice their innocent childhood days to brutal wars. And these wars cause serious damage to their mental and physical health, making this group the most vulnerable among the others. Children are the most obvious example of defenseless individuals experiencing gun brutality. In the meantime, international humanitarian law has provided extensive support and protection to children during human and inhumane armed conflicts. If children are not directly involved in the conflict, they will benefit from the general conservation provided for civilians, and while they encompass adaptive behaviors with human rights, they will receive advocacy from current laws and regulations governing behaviors toward the foe. On this basis, humanitarian law includes protection mechanisms (both general and specific) for children from the start to the end of their armed hostilities, with the goal of reducing small and large armaments for the benefit of children. In this research, an attempt has been made to examine the protection of children from the perspective of international humanitarian law.

keywords: Children, armed conflicts, protection, international humanitarian law.

¹ Doctoral student of public international law, Islamic Azad University, United Arab Emirates branch. (Corresponding Author)
sm.snaseri@gmail.com

² Bachelor of Law student, Faculty of Law, Islamic Azad University, Tehran West Branch.
mseynednaseri@gmail.com

